

مستندات قرآنی تقریب از دیدگاه مقام معظم رهبری

حمیدالله رفیعی زابلی

چکیده

مقام معظم رهبری، تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان را موجب عزت مسلمانان دانسته و در شرایط امروزی، آن را بنا به دستورات قرآن کریم از وظایف مسلمانان می‌داند. پیامبر اسلام(ص) و ایمان به رسالت آن حضرت از مهمترین محورهای تقریب مذاهب اسلامی است. لازمه اختلافات در عقاید و مسائل فقهی، تنفر روحی و ستیز و جنگ نیست؛ بنابراین تقریب و وحدت پیروان مذاهب اسلامی با حفظ عقاید، بدون هیچ مانعی در عمل امکان‌پذیر است و از آثار مهم آن، جلوگیری از نفوذ دشمنان در میان مسلمانان است.

کلیدواژگان: تقریب مذاهب اسلامی، وحدت، جهان اسلام، مقام معظم رهبری.

بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص)، مسلمانان به علت‌های مختلف، گرفتار اختلافات اعتقادی و سیاسی شده و به تدریج به فرقه‌های متعدد تقسیم شدند. این اختلافات مذهبی و فرقه‌ای با گذشت زمان، باعث نفوذ تدریجی دشمنان اسلام شد و بیش از پیش در راستای تحقق منافع این قدرت‌های شیطانی، موجبات درگیری‌های فیزیکی و قتل و کشتار را در میان پیروان مذاهب اسلامی فراهم آورده است. این در حالی است که پیروان این مذاهب می‌توانند با حفظ مبانی مذهبی خود، به آیات قرآن کریم و احادیث نبوی تمسک جسته و فضای برادری و انسجام عملی را در میان خود به وجود آورده و دشمنان اسلام را از غلبه بر مسلمانان مأیوس و ناامید کنند. ولی با کمال تأسف، نادانی برخی مسلمانان از یک سو و نفوذ دشمنان در میان مسلمانان از سوی دیگر باعث گردیده که زمینه تسلط دشمنان اسلام بر کشورهای اسلامی فراهم گردد و جهان اسلام در معرض خطر جدی قرار گیرد. امروز طعم تلخ این اختلافات را همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی و سایر فرقه‌های اسلامی با کام خود می‌چشند و آثار مخرب و مرگبار آن را نظاره‌گر هستند.

طبق فرمایش مقام معظم رهبری، امروزه دنیای اسلام که از جهت ذخایر مادی، انسانی، فکری و تاریخی یکی از بزرگترین مجموعه‌های جهان است، بیش از همیشه نیازمند وحدت و تقریب است. متمرکز و هم‌جهت ساختن تلاش‌ها و توان‌ها و به جریان انداختن آن در سمت و سوی نجات امت اسلامی، هدف و آرزوی هر مسلمان خیرخواه و دلسوز است و باید دانست که این هدف، جز در سایه‌ی نزدیک کردن دل‌ها، فکرها و ایمان‌ها، دست‌یافتنی نیست. دو مرد بزرگ جهان اسلام نزدیک به نیم قرن پیش، این حقیقت روشن را دریافتند و برای آن تلاش کردند و دارالتقریب مذاهب اسلامی را در قاهره برای این امر تأسیس نمودند. اگر مردان علم و سیاست، این تلاش را به طور جدی دنبال می‌کردند، شاید دنیای اسلام امروز شاهد نتایج غم‌انگیز اختلاف مسلمانان نمی‌شد و شاید مصیبت فلسطین و اوضاع رقت‌بار، هولناک و دل‌خراش کنونی گریبان جهان اسلام را نمی‌گرفت. این دو شخصیت برجسته و ممتاز، یکی فقیه بزرگ دوران و مرجع‌اعلی شیعیان جهان در زمان خود و شخصیت کم‌نظیر روحانی در دوران‌های اخیر، آیت‌الله‌العظمی بروجردی و دیگری، فقیه و مفتی بزرگ اهل سنت و رئیس شجاع و نواندیش الازهر شریف، علامه شیخ محمود شلتوت بودند. در عصر حاضر نیز، آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای برای تأمین و تحقق مصالح جهان اسلام بیش از پیش بر اهمیت فزاینده تقریب بین مذاهب اسلامی تأکید ورزیده و با تشکیل «مجمع‌التقریب بین‌المذاهب الإسلامية» راه آن دو بزرگوار را احیاء نموده‌اند.

مقام معظم رهبری، تقریب بین مذاهب اسلامی را در بیانات خود از جهات متعدد مورد بررسی قرار داده و محورهایی را برای وحدت امت اسلامی مورد توجه قرار داده‌اند. در این مقاله، دیدگاه‌های ایشان که در سخنرانی‌ها و پیام‌های متعدد ایراد گردیده، به طور منسجم جمع‌آوری و در برخی موارد، به مستندات قرآنی آنها نیز اشاره شده است.

پیامبر اسلام(ص) محور اصلی وحدت امت اسلامی

یکی از عوامل اساسی و عمده تقریب بین مذاهب اسلامی، وحدت مسلمانان بر محوریت ایمان به رسول گرامی اسلام(ص) است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، این مطلب را چنین بیان فرموده‌اند:

«وجود نبی مکرم اسلام(ص)، بزرگترین مایه وحدت در همه ادوار اسلامی بوده است و امروز هم می‌تواند باشد؛ چون اعتقاد آحاد مسلمانان به آن وجود اقدس بزرگوار، با عاطفه و عشق توأم است و لذا آن بزرگوار، مرکز و محور عواطف و عقاید همه مسلمان‌هاست و

همین محوریت، یکی از موجبات انس دل‌های مسلمین و نزدیکی فِرَقِ اسلامی با یکدیگر به حساب می‌آید. ابعاد شخصیت نبی اکرم را هیچ انسانی قادر نیست به نحو کامل بیان کند و تصویر نزدیک به واقعی از شخصیت آن بزرگوار ارایه نماید. آنچه ما از برگزیده‌ی پروردگار عالم و سرور پیامبران سراسر تاریخ شناخته و دانسته‌ایم، سایه و شبحی از وجود معنوی و باطنی و حقیقی آن بزرگوار است؛ اما همین مقدار معرفت هم برای مسلمانان کافی است تا اولاً، حرکت آن‌ها را به سمت کمال تضمین کند و قله‌ی انسانیت و اوج تکامل بشری را در مقابل چشم آنان قرار بدهد و ثانیاً، آن‌ها را به وحدت اسلامی و تجمع حول آن محور تشویق کند.» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۲۴)

مقام معظم رهبری در جایی دیگری نیز می‌فرماید:

«نام مقدس پیامبر(ص) یکی از پُر جاذبه‌ترین پدیده‌های اسلامی برای کلیه‌ی مسلمانان عالم است؛ چون مسأله، مسأله عاطفه و ایمان با هم است. لذا قوت عملکرد این یاد و این نام برای صحنه‌های مربوط به مسلمین، از بسیاری از پدیده‌های دیگر اسلامی که فقط بر ایمان متکی است و عواطف در آن نقشی ندارد، بیشتر است. به همین خاطر، بعضی از متفکران بزرگ عالم اسلام، در دوره‌ی قبل از ما گفته‌اند که محور وحدتِ مسلمین و اتحاد عملی آن‌ها، می‌تواند نام مقدس این بزرگوار و ایمان به آن حضرت و یاد آن نبی معظم باشد.» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۶)

وحدت امت اسلامی بر محوریت رسول گرامی اسلام (ص)، امری ضروری در دین مبین اسلام است که ریشه در قرآن کریم دارد. خداوند در این کتاب آسمانی می‌فرماید:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»

«محمد(ص) فرستاده خداوند متعال است و کسانی که با او هستند، در برابر کفار

سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.» (فتح، ۲۹)

خداوند در این آیه شریفه پس از آن که گواهی به رسالت پیامبر اسلام(ص) داده به توصیف یارانش پرداخته و اوصاف ظاهر، باطن، عواطف، افکار و اعمال آنها را طی چند صفت بیان نموده است. یکی از صفات یاران آن حضرت این است که در برابر کفار، شدید و محکم هستند و دومین وصف آنان این است که در میان خود، رحیم و مهربانند. آنها کانونی از عواطف و محبت نسبت به برادران، دوستان و همکیشان خود و آتشی سخت و سوزان و سدی محکم و پولادین در مقابل دشمنان هستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲: ۱۳).

این آیه شریفه، هر چند اوصاف اصحاب راستین رسول خدا(ص) را بیان فرموده است، ولی در حقیقت اوصاف همه کسانی است که به رسالت آن حضرت ایمان دارند و به عبارت دیگر، همه مؤمنین در هر عصر و زمان را شامل می‌شود که باید در برابر دشمنان دین اسلام، شدید و محکم بایستند و در میان خود، کمال عطف و مهربانی را داشته باشند. بنابراین پیروان مذاهب اسلامی باید بر محوریت ایمان به رسول خدا(ص)، فاصله‌ها را از میان خود برداشته و زمینه تقریب بین مذاهب را فراهم نمایند؛ چه این‌که در عصر حاضر، خطر دشمن بیش از هر زمان دیگری مسلمانان را تهدید می‌کند.

ارزش ذاتی تقریب مذاهب اسلامی

با قطع نظر از خطر دشمنان اسلام، خود وحدت مسلمانان نیز ارزش ذاتی دارد. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید:

«اگر وحدت و نزدیکی فرقی اسلامی چیزی است که در خدمت اسلام می‌باشد و اگر قبول داریم که اتحاد مسلمین به حال مسلمین مفید است و در جهت عظمت اسلام می‌باشد، یقیناً باید معتقد باشیم که از سوی دشمنان اسلام، سخت‌ترین تلاش‌ها و پیچیده‌ترین توطئه‌ها علیه این وحدت و اتحاد در جریان است. این دو از هم غیر قابل انفکاک است. امروز، هر چیزی که برای اسلام نافع‌تر است، از نظر دشمنان اسلام مبعوض‌تر می‌باشد. امروز، هر چیزی که بیشتر در جهت عظمت اسلام باشد، بیشتر هم مورد تهاجم دشمنان اسلام است. این، يك معادله‌ی قطعی است.» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۲۴)

آیه شریفه «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸) که می‌فرماید: «به یقین، رسولی از خود شما به سوی‌تان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان، رؤف و مهربان است!» هر گونه بهانه را برای ایجاد اختلاف، تفرقه و تنفر از هر مسلمانی می‌گیرد. پیامبری که تحمل مشقات و رنج‌های امت بر او دشوار است، اختلافات مسلمانان و خصومت‌ها و خون‌ریزی‌هایی که در جامعه اسلامی به علت اختلاف پیروان مذاهب اسلامی تحقق پیدا می‌کند، به مراتب ایشان را غمگین نموده و باعث عدم رضایت آن حضرت از مسلمانان می‌شود. به یقین این ناامنی‌ها و اختلافات و دوری مذاهب اسلامی از همدیگر نه تنها باعث نفوذ دشمنان در میان مسلمانان شده، بلکه باعث گردیده جامعه اسلامی در برابر دشمنان خوار و ذلیل گردد. قرآن کریم، اثر شوم اختلاف را چنین بیان می‌کند:

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»

«و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود!» (انفال، ۴۶)

با توجه به این آیه، اختلاف و تفرقه در میان مذاهب اسلامی، به خودی خود یک پدیده شوم است که نه خداوند متعال به آن راضی است و نه پیامبر گرامی اسلام (ص) و نه با هیچ آموزه دین مبین اسلام موافق است. بنابراین وحدت و تقریبی که زمینه اختلافات غیرمعقول را از بین می‌برد، به طور ذاتی ارزش به سزایی دارد.

دشمنان اسلام عامل اختلاف افکنی بین مذاهب اسلامی

مقام معظم رهبری در خصوص نقش دشمنان اسلام در راستای اختلاف‌افکنی بین مذاهب اسلامی چنین می‌فرماید:

«در زمان حال، برای این‌که مسلمین با هم متحد و متفق نباشند و علیه هم کار کنند، تلاش‌های مضاعفی انجام می‌گیرد. این تلاش‌ها به خصوص در وقتی تشدید پیدا کرده که نیاز مسلمین به وحدت، بیش از همیشه است. به تصور خیلی نزدیک به واقعیت، انگیزه‌ی تلاش‌های دشمنان این است که از تحقق آرزوی سیادت و حاکمیت اسلام که امروز به مراحل عملی نزدیک می‌شود، جلوگیری کنند. طبیعی است که اگر اسلام بخواهد حاکمیت پیدا کند و مسلمین در دنیای اسلام بخواهند به اسلام تمسک کنند، با این اختلافات امکان‌پذیر نیست. فاجعه‌آمیزترین مانع در راه حاکمیت و سیادت اسلام این است که مسلمین را در درون جوامع اسلامی چه در يك کشور، چه در کشورهای متعدد اسلامی؛ فرقی نمی‌کند به جان هم بیندازند.» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱)

دشمنان و پیروان راه باطل در میان جهان اسلام، اموری را نشانه می‌روند که در تقویت و عزت اسلام و مسلمانان نقش اساسی و کلیدی دارند. نشانه رفتن وحدت مسلمانان و عوامل تقریب مذاهب از

سوی دشمنان، ارزش آن را مبرهن می‌کند. دشمنان دوست دارند که مسلمانان از دین و مذهب‌شان دست بردارند؛ زیرا با توجه به آیه «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» (بقره، ۱۰۹) که خداوند می‌فرماید: «بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد آرزو می‌کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر بازگردانند؛ با این‌که حق برای آنها کاملاً روشن شده است» امروز نیز به علت همین صفت می‌خواهند مسلمانان از دین‌شان دست بردارند. از این رو، در سال‌های اخیر می‌بینیم که یکی از آثار ناامنی کشورهای اسلامی از سوی دشمنان اسلام به وسیله ایجاد اختلاف و جنگ‌افروزی، گرایش برخی جوانان ناآگاه به سوی بی-دینی و یا ادیان مقصود آنان است. آنان با اختلاف‌افکنی و دور نگه داشتن پیروان مذاهب اسلامی از همدیگر، آتش تنفر و دشمنی را در بین مسلمانان برای منفور ساختن دین اسلام در انظار جهانیان شعله‌ور می‌سازند. خدای متعال همچنین در آیه دیگری می‌فرماید:

«مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ لَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ اللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»

«کفار اهل کتاب و همچنین مشرکان دوست نمی‌دارند که خیر و برکتی از ناحیه خداوند متعال، بر شما نازل گردد؛ در حالی که خداوند رحمت خود را به هر کس که خواهد، اختصاص می‌دهد و خداوند دارای بخشش و فضل عظیم است» (بقره، ۱۰۵)

بر اساس این آیه، دشمنان اسلام عزت و سرافرازی مسلمانان را در سایه وحدت و تقریب هرگز تحمل نمی‌کنند.

نفی ملازمه بین اختلاف اعتقادی و اختلاف روحی و عملی

وجود اختلاف اعتقادی در بین مذاهب اسلامی، امری مسلم است. اختلافات اعتقادی را نمی‌توان از بین برد؛ مگر این‌که همه مذاهب به یک مذهب ادغام شوند و چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. اما لازمه اختلاف اعتقادی این نیست که پیروان مذاهب اسلامی از همدیگر متنفر بوده و در عمل با هم برخورد‌های فیزیکی داشته باشند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این مورد، چنین بیان فرموده است:

«اختلاف مذاهب اسلامی، اختلاف شیعه و سنی در حد اختلاف عقیدتی مشکلی به‌وجود نمی‌آورد؛ مشکل آن وقتی است که این اختلاف عقیدتی به اختلاف روحی، به اختلاف رفتاری، به درگیری، به ستیزه‌گری، به دشمنی بینجامد؛ دشمنان دنیای اسلام دنبال این فکرند، دنبال این نقشه‌اند. خوب فهمیدند که اگر در دنیای اسلام، مذاهب اسلامی گریبان یکدیگر را بگیرند و کشمکش با همدیگر را شروع کنند، رژیم غاصب صهیونیست نفس راحتی خواهد کشید؛ ... لذا از يك طرف گروه‌های تکفیری را به راه می‌اندازند که نه فقط شیعه را تکفیر کنند، بلکه بسیاری از فرق اهل سنت را هم تکفیر کنند؛ از آن طرف هم يك عده مزدور را به راه بیندازند که برای این آتش همیشه فراهم کنند، بنزین روی آتش بریزند؛ که می‌بینید، می‌شنوید، یا خبر دارید. وسایل ارتباط جمعی و رسانه در اختیار این‌ها می‌گذارند؛ ... آن تشیعی که از لندن و از آمریکا بخواد برای دنیا پخش بشود، آن تشیع به درد شیعه نمی‌خورد.» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۲۰)

یکی از راه‌های اختلاف افکنی و دور نگه داشتن مسلمانان از همدیگر، پدیده تکفیر است که از سوی دشمنان اسلام طراحی شده است؛ در حالی که بر اساس معیارهای متقن دین مبین اسلام، هیچ مسلمانی حق ندارد، مسلمان دیگر را تکفیر کند. زیرا خداوند در قرآن کریم خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که در راه خدا گام بر می‌دارید (و به سفری برای

جهاد می‌روید) تحقیق کنید و به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگوئید مسلمان نیستی. « یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا: نساء، ۹۴) بر اساس این آیه شریفه، اظهار اسلام یعنی شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر، موجب حرمت جان و مال انسان می‌گردد. مفسرین در شأن نزول این آیه آورده‌اند که پیامبر(ص) بعد از بازگشت از جنگ خیبر، اسامه بن زید را با جمعی از مسلمانان به سوی یهودیانی که در یکی از روستاهای فدک زندگی می‌کردند، فرستاد تا آنها را به سوی اسلام و یا قبول شرایط ذمه دعوت کنند. یکی از یهودیان به نام مرداس که از آمدن سپاه اسلام با خبر شده بود اموال و فرزندان خود را در پناه کوهی قرار داد و به استقبال مسلمانان شتافت؛ در حالی که به یگانگی خدا و نبوت پیامبر(ص) گواهی می‌داد. اسامه بن زید به گمان این‌که مرد یهودی از ترس جان و برای حفظ مالش، اظهار اسلام می‌کند و در باطن مسلمان نیست، به او حمله کرده و او را کشت و گوسفندان او را به غنیمت گرفت. هنگامی که خبر به پیامبر(ص) رسید، سخت از این جریان ناراحت شد و فرمود: تو مسلمانی را کشتی، اسامه ناراحت شد و عرض کرد این مرد از ترس جان و برای حفظ مالش اظهار اسلام کرد. پیامبر(ص) فرمود: تو که از درون او آگاه نبودی، چه می‌دانی؟ شاید به راستی مسلمان شده بود، در این موقع آیه فوق نازل شد و به مسلمانان هشدار داد که به خاطر غنایم جنگی و مانند آن، هیچ‌گاه انکار سخن کسانی را که اظهار اسلام می‌کنند ننمایند؛ بلکه هر کس اظهار اسلام کرد، باید سخن او را پذیرفت (آلوسی ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۱۱۶).

تکفیری‌ها با دستور خداوند به صراحت مخالفت ورزیده و به نام دین اسلام، کسانی را تکفیر می‌کنند و خون آنان را می‌ریزند و اموالشان را به غنیمت برده و زنانشان را به کنیزی می‌گیرند که نسل در نسل مسلمان بوده‌اند. این رفتار تکفیری‌ها هیچ توجیهی ندارد؛ جز این‌که با پشتیبانی دشمنان اسلام، مذاهب اسلامی را با همدیگر درگیر کرده و مانع از تقریب و وحدت مسلمانان شوند.

ابزارهای مدرن اختلاف افکنی

دشمنان اسلام برای اختلاف‌افکنی و ایجاد تنفر در میان پیروان مذاهب اسلامی ابزار و روش‌های گوناگون را به کار می‌برند. رهبر انقلاب به این پدیده چنین اشاره‌ای دارد:

«این شیطانی که حمله می‌کند، همیشه يك جور حمله نمی‌کند. شیطان امروز که از راه اینترنت و ماهواره و روش‌های ارتباطی مدرن و فوق مدرن سراغ شما می‌آید، حرف‌های مدرنی هم دارد؛ سخت‌افزارش را مدرن کرده، نرم‌افزار مدرن هم دارد. شبهه‌آفرینی دارد، اخلاق در عقیده دارد، ایجاد تشویش در ذهن دارد، تزریق ناامیدی دارد، ایجاد اختلاف دارد. الان دلارهای نفتی دارد يك جاهایی صرف می‌شود؛ بنده خبر دارم، اطلاع دارم. اینها گزارش‌هایش، غالباً گزارش‌هایی است که پخش نمی‌شود. در بعضی از کشورهای اسلامی مثل ریگ پول می‌ریزند برای این‌که در بین سنی‌ها اجتماع ضد شیعه درست کنند.... از آن طرف هم به يك گوینده‌ی به اصطلاح شیعی پول می‌دهند که در تلویزیون، به نام شیعه، ام‌المؤمنین عایشه را متهم کند، قذف کند، اهانت کند. روش‌ها این‌هاست.... از کارهای اینها گول نخوریم. اختلاف برای آنها بیشترین و بزرگترین نعمت است.» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۰)

پیروان شیطان از روش‌های شیطانی استفاده می‌کنند و تا می‌توانند برای بدفرجامی مسلمانان هر وسیله و روشی را به کار می‌برند. شیطان خطاب به خدا گفت: «اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر

سر راه مستقیم تو، در برابر آنها کمین می‌کنم! سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان می‌روم و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت!» (اعراف، ۱۶ و ۱۷)

نادانی و جهل، مهمترین منشأ اختلاف و تنفر روحی

رهبر معظم انقلاب، نقش جهالت و نادانی را در مسأله اختلاف چنین بیان می‌کند:

«کسانی که بدون فهم حقیقت و بدون تقوی، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می‌دانند، خارج می‌کنند، تکفیر می‌کنند؛ این گروه‌های تکفیری نادان- حقیقتاً مناسب‌ترین صفت برای این‌ها نادانی است، اگرچه در آن‌ها خباثت هم هست، اما جهالت مهم‌ترین خصوصیت این‌هاست- این‌ها را بایستی ما تا آنجایی که می‌توانیم، ارشاد کنیم؛ مردم را از این‌ها بترسانیم که مردم ما «وَلْتَصْنَعِ إِلَيْهِ أَفْئِدَةَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ لَيْرْضَوْهُ وَ لِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ» (انعام، ۱۱۳: نتیجه (وسوسه‌های شیطان و تبلیغات شیطان‌صفتان) این خواهد شد که دل‌های منکران قیامت، به آنها متمایل گردد و به آن راضی شوند و هر گناهی که بخواهند، انجام دهند) بعضی‌ها به خاطر ضعف ایمان، به خاطر ضعف معرفت، مجذوب این حرف‌های دشمنان می‌شوند. ما باید مراقبت کنیم. وظیفه علما، وظیفه سنگینی است. امروز وحدت دنیای اسلام، يك هدف اعلاست که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می‌تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست پیدا کند؛ می‌تواند این کار را هم بکند. هم دولت‌ها باید کمک کنند، هم ملت‌ها باید کمک کنند.» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۵)

بر طبق دستور خداوند متعال که می‌فرماید:

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ» (مائده، ۲)

مسلمانان و پیروان مذاهب اسلامی و حتی دولت‌های کشورهای اسلامی باید همواره در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون داشته باشند و هرگز در راه گناه و تعدی همکاری ننمایند. بنابراین امروز و هر روز، تقریب و وحدت در میان مسلمانان از بهترین مصادیق نیکی و پرهیزگاری و اختلاف و بدبینی، روشن‌ترین مصداق گناه و تعدی است.

راهکارهای ایجاد تقریب و مقابله با عوامل اختلاف

اگر مسلمانان و پیروان مذاهب، تقریب عملی داشته و از عقاید و آموزه‌های مذهبی همدیگر اطلاعات سالم و صحیحی داشته باشند، همه‌های اختلاف‌برانگیز دشمنان خنثی می‌شوند و یا دست‌کم تأثیرگذاری آنها کاهش پیدا می‌کند. رهبر معظم انقلاب، راهکار بسیار مؤثری در برابر عوامل اختلاف‌افکنی مطرح نموده و فرموده است:

«... علمای شیعه و سنی با هم جلسه بگذارند، تفاهم کنند، با هم حرف بزنند. [پیروان هر مذهب عقاید و فقه خود را تدریس کنند] اما کارهای مشترك هم می‌توانند انجام دهند... هر کسی اگر می‌خواهد مذهب خودش، کار خودش را حفظ کند، داشته باشد؛ اگر می‌خواهند بحث مذهبی بکنند، هیچ اشکالی ندارد- من بحث مذهبی را هم قبول دارم- اگر دوست دارند بحث علمی مذهبی بین علما و بین صاحبان فن بکنند، بنشینند این کار را بکنند؛ منتها نه در منظر و مرئای مردم، بلکه در جلسات علمی بنشینند با هم بحث کنند؛ او استدلالش را بگوید، آن استدلالش را بگوید؛ یا یکی قانع می‌شود، یا قانع نمی‌شود؛ این‌ها اشکال ندارد؛ لیکن علی‌رغم همه‌ی اینها، يك امور مشترکی وجود دارد؛ يك دردهای مشترکی هست که درمان‌های مشترکی دارد. عالم شیعه در بین مردم خود، عالم سنی در بین مردم خود نفوذ

دارند؛ از این نفوذ استفاده کنند، این مشکلات مشترک را برطرف کنند. امروز کسانی هستند که سلاحشان تکفیر است؛ ابائی هم ندارند که بگویند ما تکفیری هستیم؛ اینها سم‌اند... این

سم را باید از محیط اسلامی خارج کرد.» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۰)

خداوند متعال در آیه «فَبَشِّرْ عِبَادِ فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۷) می‌فرماید: «پس بندگان مرا بشارت ده! همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایت‌شان کرده و آنها خردمندانند.» با توجه به این آیه شریفه، بحث‌های علمی در میان پیروان مذاهب اسلامی مطلوب قرآن کریم است؛ به شرطی که برای جستجوی حق و انتخاب بهترین باشد و اغراض غیرمعقول را در بر نداشته باشد. به گفته فخر رازی، مفسر مشهور اهل سنت، هدایت و رستگاری بستگی به این دارد که انسان چیزهای زیادی بشنود و از میان آنها، بهترین و صحیح‌ترین را انتخاب کند. روشن است که تمیز بهترین و صحیح‌ترین، بدون شنیدن و بدون بکارگیری عقل و استدلال امکان‌پذیر نیست (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶: ۴۳۷).

رهبر معظم انقلاب در این رابطه می‌فرماید:

«در بحث علمی، طبیعی است که هر کس عقیده‌ای دارد. اثبات آن عقیده، به معنای نفی و رد عقاید دیگری، استدلال بر عقیده‌ی خود است. همه این‌ها مفهوم، قابل درک و قابل تحمل است. همین بحث‌ها هم همیشه دامن‌های تفکر را گسترش می‌دهد، تعمیق می‌کند و پیش می‌برد؛ مانعی ندارد؛ لیکن آنجایی که دو گروه، هر دو منتسب به اسلام، و هر دو معتقد به مبانی اساسی واحد، در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند، تا یکدیگر را محو کنند، یا ضربه بزنند، یا جریحه‌دار کنند، این فاجعه است؛ ما از این کار بایستی جلوگیری کنیم.» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱)

توجه به دو جهت در مسأله وحدت

مقام معظم رهبری به عنوان راهکار مؤثر در رفع اختلاف و ایجاد تقریب بین مذاهب نکاتی را مورد توجه قرار داده‌اند. ایشان می‌فرماید:

«در مسأله‌ی وحدت، دو نقطه یا دو جهت‌گیری اساسی وجود دارد که هر کدام به تنهایی، حایز اهمیت‌اند: ... یکی از این دو نکته، عبارت از رفع اختلافات و تناقض‌ها و درگیری‌ها و تضادها و کارشکنی‌هاست که از قرن‌ها پیش تا امروز، میان طوایف و فرقه‌های مسلمین وجود داشته است و همیشه هم این تناقض‌ها به ضرر مسلمین تمام شده است. اگر به تاریخ اسلام برگردیم، خواهیم دید که زمام و مبدأ همه و یا قسمت اعظم این تعارض‌ها و تناقض‌ها، به دستگاه‌های قدرت مادی برمی‌گردد. تاریخ اسلام را ملاحظه کنید، خواهید دید که از اختلافات اولیه یعنی مسأله‌ی خلق قرآن و امثال آن تا بقیه‌ی اختلاف‌هایی که در طول زمان، بین فرقه‌های اسلامی مخصوصاً در زمان‌های بیشتری بین شیعه و سنی اتفاق افتاده است، تقریباً سرخ این اختلافات در تمام بلاد اسلامی، دست قدرت‌هاست. البته جهالت‌های عمومی و تعصب‌های غیرمتکی به منطق و تحریک احساسات یکدیگر اثر دارد، اما این‌ها زمینه است و هیچ‌کدام، آن حوادث خونین بزرگی را که ما در تاریخ مشاهده می‌کنیم را به وجود نمی‌آورد. آن حوادث بزرگ، به دستگاه ارباب قدرت برمی‌گردد که از این اختلاف، دنبال فایده‌ای می‌گشتند. استعمار که وارد کشورهای اسلامی شد، بعضی مستقیم و بعضی غیرمستقیم، واضح شد که او هم دنبال همین قضیه است. رفتار بعضی از شخصیت‌های

معروف اروپایی، چه سیاسی و چه فرهنگی، خیلی عبرت‌انگیز است. به مصر که می‌رفتند، يك طور صحبت می‌کردند؛ به باب عالی کشور عثمانی که می‌رفتند، يك طور صحبت می‌کردند؛ به ایران شیعی که می‌آمدند، طور دیگر صحبت می‌کردند. هدفشان هم به هم ریختن نظام وحدت بود که استعمار اروپا و سردمداران تمدن صنعتی، از آن می‌ترسیدند؛ حق هم داشتند که بترسند. کار خودشان را هم کردند و بین مسلمین، اختلاف عمیق و عجیبی را به وجود آوردند.

وحدتی که ما اعلام می‌کنیم و شعار می‌دهیم و به آن دل‌بسته هستیم و دنبال آن، حرکت و کار می‌کنیم، اولین نقطه‌اش باید ناظر به رفع این تعارض‌ها و تناقض‌ها و اختلاف‌ها و درگیری‌ها باشد، که خدای متعال به این راضی است و مؤمنان و مخلصان و اولیا و عقلا، از آن خشنودند. باید مقدمات و زمینه‌های این کار فراهم بشود. اختلاف عقیدتی دارند، داشته باشند؛ اختلاف قومی دارند، داشته باشند؛ تغایر نژادی دارند، داشته باشند. این‌ها، مستلزم و مستوجب تنافس و تعارض و درگیری و جدال بین مسلمین نشود. باید همه مخلصانه کار کنند. علمای بزرگ، متفکران، روشن‌فکران، نویسندگان، شعرا، هنرمندان، واقعاً این را واجب الهی بدانند. این آیهی شریفه‌ی قرآن: **«واعتصموا بحبل الله جميعاً»** (آل عمران، ۱۰۳) و آیات دیگر، خطاب به ما و همه‌ی مسلمین در مقابل دشمنان اسلام است. به این آیات عمل کنیم.

نکته‌ی دوم این است که این وحدت باید در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد؛ ... اگر علمای اسلام قبول می‌کنند که قرآن فرموده است: **«و ما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله»** (نساء، ۶۴)، پیامبر نیامد که نصیحتی بکند، حرفی بزند، مردم هم کار خودشان را بکنند و به او هم احترامی بگذارند؛ آمد تا مورد اطاعت قرار بگیرد، جامعه و زندگی را هدایت کند، نظام را تشکیل بدهد و انسان‌ها را به سمت اهداف زندگی درست پیش ببرد. اگر علمای اسلام قبول دارند که قرآن کریم می‌فرماید: **«لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط»** (حدید، ۵۲)، اقامه‌ی قسط و عدل و رفع ظلم و ایجاد زندگی صحیح برای بشر، هدف ادیان است، پس باید حرکت به سمت حاکمیت اسلام باشد و حاکمیت اسلام در کشورها و جوامع اسلامی، امری ممکن است.» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۶)

همچنین در بیانی دیگر، ایشان معتقد است:

«اگر در جوامع و کشورهای اسلامی، علما، روشن‌فکران، متفکران، بزرگان و پیشگامان وحدت، جهت حرکت‌شان به سمت حاکمیت اسلام باشد، این حرکت، حرکت موفقی است؛ و الا اگر این‌طور نباشد و در مقابل حاکمیت طواغیت و کفار و حکومت‌های سرسپرده و بی‌عرضه، تابع و تسلیم باشند، معلوم است که وحدت تضمینی نخواهد داشت. شما از این طرف، شعار وحدت بدهید، جوش بزنید، غصه بخورید؛ از آن طرف، پول‌های به ناحق بذل و خرج شده و يك عده آدم سست‌عنصر قلم‌به‌مزد نوکرسفت هم پیدا می‌شوند و اندوخته‌های شما را به باد خواهند داد و رشته‌ها را پنبه خواهند کرد. «مجمع التفریب بین المذاهب الإسلامية» ... زمینه‌های تقریب را در جنبه‌های اعتقادی، کلامی، فکری، فقهی، اصولی و علمی فراهم بکند؛ لیکن آن هدف اساسی باید به یاد متفکران اسلام باشد. دشمنان

اسلام، این را نمی‌خواهند؛ اما آنچه که خدا می‌خواهد، آن خواهد شد. «و الله غالب علی امره» (یوسف، ۲۴)» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۶)

موضوعات تقریب بین مذاهب

مقام معظم رهبری، تقریب بین مذاهب را در سه موضوع امکان‌پذیر می‌داند. ایشان می‌فرماید: «در مسأله تقریب همان‌طور که مکرر گفته شده غرض این است که فرقه‌های اسلامی، در مقام فکر و اعتقاد به یکدیگر نزدیک بشوند. ای‌بسا برخی از تصورات فرق نسبت به یکدیگر، با مباحثه و مذاکره، به استنتاج خوبی منتهی بشود. شاید بعضی از سوءتفاهم‌ها برطرف، و بعضی از عقاید تعدیل، و بعضی از افکار به طور واقعی به هم نزدیک بشود. البته اگر این بشود، بسیار بهتر از هر شکل دیگر است؛ حداقل این است که بر روی مشترکات تأکید بشود. این گفتگوها و مذاکرات، کمترین فایده‌اش این خواهد بود. بنابراین، باید از طرح مسائل تفرقه‌انگیز خودداری بشود.

در مرحله‌ی فقهی نیز تبادل‌نظر بین مذاهب مختلف، در بسیاری از ابواب فقهی، به فتاوی نزدیک، بلکه واحدی منتهی خواهد شد. بعضی از فرق اسلامی، در برخی از ابواب فقهی، تحقیقات و پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند؛ دیگران می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. گاهی ممکن است در برخی از احکام و استنباطات اسلامی از کتاب و سنت، نوآوری‌هایی در اختیار بعضی از فرق اسلامی باشد؛ دیگران از آن استفاده خواهند کرد و به فتاوی نزدیک به هم یا مشترکی خواهند رسید.

در نهایت و شاید مهم‌تر از همه‌ی نتایج تقریب، تقریب عملی است؛ یعنی همکاری مسلمین با یکدیگر، منهای احساس جدایی عقیدتی فرقه‌ای. اگر دشمنان بگذارند و اگر ما عاقل باشیم، این امر بسیار ممکن و سهل‌التناولی است.

پس، این سه مرحله است: هم در مرحله‌ی اعتقاد، هم در مرحله‌ی احکام فقهی، و هم در مرحله‌ی همکاری عملی. آنچه که این‌ها را تضمین می‌کند، این است که اولاً به توطئه‌ی دشمن هوشمندانه نگاه کنند؛ ثانیاً به آن مواردی از اسلام که این تقریب را تضمین می‌کند، بیشتر فکر کنند.» (سخنرانی در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱)

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد، این نتیجه به دست می‌آید که تقریب بین مذاهب، زمینه‌ساز وحدت امت اسلامی است. تقریب و وحدت، خواست خداوند و پیامبر اسلام (ص) است. این پدیده با کمک و تعاون پیروان مذاهب به ویژه علمای آنان امکان‌پذیر است؛ چه این‌که عقلاً و شرعاً بین اختلاف در عقاید و مسائل فقهی و اختلاف عملی هیچ ملازمه‌ای وجود ندارد. افرون بر آن، بسیاری از اختلافات و سوءتفاهم‌ها با بحث‌های علمی در حوزه‌های اعتقادی و فقهی مرتفع می‌گردد و در نتیجه، افزون بر این‌که نسبت به عقاید همدیگر خالی از اتهام و نسبت‌های ناروا به صورت واقع‌گرایانه آشنا می‌شوند، منافذ اختلاف‌افکنی را بر روی دشمنان اسلام می‌بندد و منفعت معنوی و مادی آن نصیب همه مسلمانان می‌شود.

فهرست منابع

١. قرآن كريم
٢. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
٣. رازی، فخرالدين محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٢٠ق.
٤. مكارم شيرازي، ناصر، تفسير نمونه، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٣٧١ش.
٥. نرم افزار ولايت.